

## اصلاحات نظامی عباس میرزا نایب‌السلطنه

مجتبی خالقی<sup>۱</sup>

### چکیده

سلسله قاجار از بدو تأسیس با خطر رو به رشد توسعه طلبی روس‌ها در مناطق شمالی کشور، از قفقاز گرفته تا شهرهای ساحلی گیلان روبه‌رو بود. حکمرانی ایالت مهم آذربایجان به عباس میرزا پسر دوم و ولیعهد فتحعلی شاه قاجار واگذار شده بود. ایالتی که می‌بایست سنگین‌ترین ضربات قوای روس را تحمل می‌کرد و در عین حال از پس تأمین نفقات و سیپوروسات جنگی هم بر می‌آمد. به دنبال شکست‌هایی که در میدان جنگ بر قوای ایران وارد می‌شد نیاز به اصلاحات همه‌جانبه‌ی نظامی به شدت در دربار ایالتی تبریز احساس می‌شد. در نتیجه برای بالا بردن توان رزمی و قدرت دفاعی کشور انجام اصلاحات در دستور کار قرار گرفت. اقداماتی که در دوران قاجار به نظام جدید مشهور شدند. این مقاله می‌کوشد با استفاده از روش کتابخانه‌ای و توصیفی به چرایی، نقاط قوت و ضعف و نتایج حاصل از انجام اصلاحات نظامی به رهبری عباس میرزا قاجار بپردازد. اصلاحاتی که به‌رغم شور و شوق بانی آن و توفیق‌یافتن در به روز کردن بخشی از قوای مسلح کشور در نهایت با شکست مواجه شد.

**کلید واژه‌ها:** قاجار، عباس میرزا، آذربایجان، اصلاحات نظامی، نظام جدید.

---

<sup>۱</sup>. کارشناس ارشد تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه خوارزمی تهران.

## مقدمه

تهاجم گسترده و بی امان روسیه تزاری به خاک ایران و دست‌اندازی این قدرت بر خاک قفقاز که همیشه جزء لاینفک ایران بود، پادشاهی تازه بنیاد قاجار را به دفاع از تمامیت ارضی و حیثیت ایران واداشت. امپراتوری روسیه با تجهیزات و تسلیحات به مراتب کارآمدتر و با بهره‌گیری از نیروهای آموزش دیده‌ی نوین پا به عرصه‌ی کارزار با ایران گذارده بود؛ علاوه بر این، جمعیت و قدرت صنعتی امپراتوری روسیه پشتوانه‌ای مهم برای ارتش فراهم می‌کرد و سپاه سنتی ایران با چنین قدرتمندی پنجه در پنجه افکنده بود.

قاجارها و در صدر آنها، عباس میرزا ولیعهد و سپاهسالار فتحعلی شاه، خیلی زود متوجه ضعف و عقب‌ماندگی نیروهای نظامی ایران شدند و در پی ارتقاء بخشیدن به قدرت دفاعی کشور دست به اصلاحات پر دامنه‌ای در امور نظامی زدند. این اصلاحات تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر نیروی نظامی پادشاهی قاجار گذاشت.

این نوشتار بر آن است که به شرح کامل اصلاحات نظامی به رهبری شاهزاده عباس میرزا بپردازد. به همین تناسب این سؤالات قابل بررسی هستند: ۱- انجام اصلاحات نظامی عباس میرزا چه تأثیری بر توان رزمی و قدرت دفاعی سپاهیان ایران گذاشت؟ ۲- آیا انجام اصلاحات نظامی توانست بر روند جنگ‌های ایران و روس تأثیر پایایی بگذارد؟ ۳- چرا به‌رغم کوشش‌های مجدانه‌ی عباس میرزا اصلاحات نظامی در مجموع با شکست مواجه شد؟ این پژوهش بر این قاعده استوار است که تهاجم روس‌ها محرک اقدامات گسترده‌ی عباس میرزا در زمینه‌ی اصلاحات نظامی بود.

## وضعیت سپاه ایران قبل از اصلاحات نظامی عباس میرزا

## الف) تعداد نفرات سپاه ایران قبل از اصلاحات نظامی عباس میرزا

درباره‌ی تعداد نفرات سپاه ایران و پذیرش گزارش‌هایی که در این باره در دست است باید بسیار محتاط بود؛ زیرا منابع مختلف برای شمار افراد سپاه ایران، عدد ثابتی را به‌دست

نمی‌دهند. نویسنده‌ی این سطور با توجه به منابع هم عصر با عباس میرزا و همچنین مآخذ تحقیقاتی جدید، تعداد نفرات سپاه ایران در این دوره را حول و حوش ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تن تخمین می‌زند. قابل‌قبول‌ترین آماری که در منابع مختلف در باب شمار سپاهیان ایران ذکر گردیده، به نظر نگارنده، متعلق است به علی‌اصغر شمیم: «در زمانی که ژنرال گاردان در ایران بود، نیروی نظامی موجود ایران تنها شامل ۶۰ هزار تن پیاده و ۱۴۰ هزار سوار و ۲۵۰۰ توپچی بود» (شمیم، ۱۳۸۴: ۲۶۱). درباره‌ی شمار سپاهیان شخص فتحعلیشاه، گزارش جیمز موریه می‌تواند روشنگر این نکته باشد که شمار سپاهیان منظم ایران به طرز عجیبی بسیار اندک بوده است. موریه در ۱۸۰۹م./۱۲۲۴ق. در این باره می‌نویسد: «فتحعلی شاه ۱۲۰۰۰ نفر محافظ شخصی «جانباز» که بیشتر آنها از مازندران و طوایف قاجار بودند و ۳۰۰۰ نفر «غلام» سوارکار داشت» (موریه، ۱۳۸۶: ۱/۲۷۲).

بنابر مستندات پیش گفته می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که تنها سپاه ثابت ایران در زمان صلح فوج قراولان دربار بود، یعنی همان تعداد اندک که موریه در ۱۸۰۹م./۱۲۲۴ق. گزارش می‌دهد که می‌شود ۱۵۰۰۰ نفر سپاهی ثابت. این رقم برای پادشاهی تازه بنیاد و وسیع قاجار به شکل رقت‌انگیزی اندک بود.

در باب شمار نفرات سپاه شخصی عباس میرزا در آذربایجان موریه چنین گزارش می‌دهد: عباس میرزا می‌تواند از تیره‌های گوناگون قلمرو خود در آذربایجان ۵۰ هزار سوار و پیاده بسیج کند و اضافه می‌کند که شاه بر این نیروها نظارت مستقیم ندارد، اما در زمان جنگ پسر خود را با همه نیروهایش فرا می‌خواند (همانجا).

در اینجا پرسشی که مطرح می‌شود این است که پادشاهی قاجار از کجا و چگونه می‌توانست در هنگام جنگ سپاهسانی به استعداد ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تن بسیج کرده به جبهه‌های جنگ گسیل دارد؟ پاسخ این است که همانند شاه و ولیعهد و در مقیاس کوچک‌تری امیران

ولایات و خوانین دارای سپاه‌هایی بودند و اگر جنگی واقع می‌شد، شاه با صدور فرامینی از خان‌های ایلات و امیران ولایات درخواست سرباز و البته تسلیحات می‌نمود.

### ب) تسلیحات، تجهیزات و استحکامات سپاه ایران قبل از اصلاحات نظامی

سپاه سنتی و کاملاً ایلداری ایرانی از لحاظ تسلیحات و ادوات و حتی در زمینه‌ی ساخت دژها و قلاع نظامی دست به گریبان کاستی‌ها و مشکلات عدیده‌ای بود. فابویه افسر توپخانه که به همراه هیئت نظامی فرانسوی تحت ریاست ژنرال گاردان به ایران آمده بود، طی گزارش‌هایی که به فرانسه مخابره کرد به نمونه‌هایی از این نقص‌ها و خرابی وضع سپاه سنتی ایران اشاره دارد. ضمن آنکه این گزارش‌ها از نقاط قوت این سپاه نیز پرده بر می‌دارد.

گزارش فابویه در آن زمان نمونه‌ای از دقت و اطلاع و پشتکار بود. وی اهتمام کامل داشت که معایب سازمان نظامی ایران را کشف کند و به اصلاح آن پردازد. در گزارش مخصوصی که در این زمینه داده صریحاً می‌گوید از میان همسایگان ایران تنها باید از روسیه بترسد؛ زیرا که همسایگان دیگر همه از نظر نظامی از ایران پست‌تر هستند و تنها وسایل نظامی ایران از روسیه کمتر است. وی در زمینه‌ی قیاس نیروهای نظامی ایران و روسیه نوشته است: «از این سو استحکامات مرزی ایران یک عده قلاع بازیچه و کاملاً بی‌هوده است. فضاهای آنها بسیار وسیع است، اما هموار نیست و بیشتر آنها را از خشت ساخته‌اند. بعضی از آنها بارو دارند، اما بسیار کوچک و همانند برجی است که تیزی و پیش‌آمدگی ندارد و به همین جهت بی‌فایده است» (نفیسی، ۱۳۶۸: ۲۰۹/۱).

پیاده نظام تنها در موقع لزوم فراخوانده می‌شد و به طور کاملاً نامنظم و بدون فرماندهی واحد وارد عملیات می‌گردید و جیره و مواجب آن ترتیب درستی نداشت. فابویه درباره‌ی توپخانه می‌گوید: «توپخانه ایران اصلاح‌پذیر نیست، بلکه باید از نو آن را درست کرد». در آن

زمان ایران نه کارخانه توپ ریزی داشته است و نه زراد خانه و چند تویی که در ایران بود از خارج آورده بودند (همان: ۲۱۱).

ایران در آستانه‌ی ورود به قرن نوزدهم چنانکه از خلال گزارش‌های فابویه نیز رخ می‌نماید از چند جهت با مشکلات فراوانی در قشون خود دست به گریبان بود. اول از همه از جهت نداشتن توپخانه‌ای کارآمد؛ دوم از جانب فقدان پیاده نظام که در قرن نوزدهم اساس ارتش‌های اروپایی را تشکیل می‌داد؛ سوم در اختیار نداشتن قدرت صنعتی‌ای که بتوان عقب ماندگی‌های تسلیحاتی کشور را به مدد آن بر طرف کرد.

### ج) شیوه‌های نبرد و نقل و انتقال سپاهیان قبل از انجام اصلاحات نظامی

سپاهسالاران سنتی قاجار، در شبیخون‌زدن و تدارک حملات ناگهانی بسیار ورزیده بودند و سپاه ایران به شرط داشتن فرماندهانی مصمم از عهده‌ی حریفانش برمی‌آمد (کرونین، ۱۳۸۹: ۹۰). در اینجا متذکر می‌شویم که در سراسر جنگ‌های ایران و روسیه همواره حملات برق‌آسای سواره نظام ایران بهترین عملکرد نبرد سپاهیان سنتی‌اش بوده و ضعف عمده‌ی آنها در گرفتن یا پس گرفتن قلاع جنگی بوده است و هر جا که شکست نصیب‌شان شد از این بابت بود (نفیسی، ۱۳۶۸: ۲۱۲/۱). چون لشکرکشی‌ها در تابستان‌ها انجام می‌شد، پیشروی معمولاً شب‌ها و با مشعل و مارش نظامی صورت می‌گرفت. سپاه قاجار اگر می‌خواست می‌توانست مسافت‌های طولانی را به سرعت طی کند. چنانکه در سال ۱۲۱۰ ق. آقا محمد خان با سوارانش پانزده روزه از تهران به تفلیس رفت (کرونین، ۱۳۸۹: ۹۱).

### د) سلسله مراتب و فرماندهی سپاهیان قبل از اصلاحات نظامی

در سلسله مراتب نظامی ایران (نظام قدیم) در اوایل دوره قاجار نخبگان نظامی سنتی، همانند خوانین ایلات مهم، درباریان و حکمرانان ایالت‌های مهم کشور در رأس سپاه قرار داشتند. گاه

این فرماندهان عالی از خویشان و بستگان و زبردستان خود به عنوان فرماندهان جزء استفاده می‌کردند. فرماندهی کل سپاه را «سردار» و خان‌ها یا فرماندهان فوج‌های عشایری را «سلطان» می‌نامیدند. خان‌ها یا والی‌ها را شاه امکان داشت به فرماندهی لشکرها نیز بگمارد. فرماندهان دیگر، چنانچه عده افرادشان ده، پنجاه، صد، پانصد یا هزار نفر بود، به ترتیب ده‌باشی، پنجه‌باشی، یوزباشی، پنصد باشی یا مین باشی نامیده می‌شدند. نام گذاری واحدها بر اساس اندازه سازمانی آنها ریشه ترکی - مغولی داشت، اما به تازگی واژه های فارسی نیز به کار می‌بردند (همان: ۱-۹۰).

تضاد در فرماندهی و فقدان آموزش حرفه‌ای به پیشامدهای فاجعه باری چون بی‌نظمی، آشفتگی و سرانجام، مرگ و شکست منجر گشت. نبود هماهنگی، همراه با روش‌های سنتی درگیری نظامی به معنای این نیز بود که سپاهیان ایرانی، برخلاف ارتش روسیه، به اقدامات احتیاطی و ایمنی، گشت زنی، یا نگهداری شبانه نمی‌پرداختند؛ علاوه بر آن، سپاهیان روسی غالباً به لحاظ آذوقه و توشه تأمین می‌شدند؛ در حالی که سپاهیان ایران از این بابت در مضیقه بودند و نخستین هدف درگیری‌های نظامی را گرفتن غنیمت از دشمن می‌دانستند (رینگر، ۱۳۸۱: ۳۰).

### چرایی انجام اصلاحات نظامی به رهبری شاهزاده عباس میرزا

اهداف و دامنه اصلاحات نظامی را نمی‌توان از تلاش‌های نایب‌السلطنه برای گسترش اقتدار خود و متمرکز ساختن دستگاه اجرایی جدا دانست. اصلاحات نظامی نیازمند اقدامات متمرکزسازی و در عین حال منظور از آن افزودن تسلط شاهزاده بر ایالت آذربایجان بود (همان: ۳۸).

باز پس‌گیری قفقاز و گرجستان، واجد اهمیت فراوانی برای عباس میرزا بود؛ زیرا موقعیت برتر وی را به‌عنوان ولیعهد دولت در برابر برادران جاه‌طلبش تقویت می‌کرد و به طور کلی موجب تحکیم سلطنت خاندان قاجار می‌شد.

هر چند پیروزی روس‌ها در جنگ، سپاهیان ایران به فرماندهی عباس میرزا را شکست‌خورده و ناتوان جلوه می‌دهد، باید این نکته را متذکر شد که وی «نظام جدید» را فقط برای دفاع نمی‌خواست و اهداف توسعه طلبانه نیز داشت. او ضمن اینکه می‌خواست پیشروی روس‌ها را متوقف سازد، از همین نیروی «نظام جدید» در تهاجم به عثمانی و حمله به هرات و البته سرکوبی شورش‌های داخلی بهره مند شد.

عباس میرزا تا اواخر عمر سودای باز پس‌گیری قفقاز را در سر داشت و به ایجاد سپاهیان «نظام جدید» مجهز به تسلیحات پیشرفته با قابلیت‌های تهاجمی امیدوار بود. استفاده سلاطین عثمانی یا خدیوان مصر از فناوری‌های جدید نظامی اروپایی، الگویی مناسب برای دربار کوچک و اصلاح طلب عباس میرزا در تبریز فراهم کرده بود.

شاهزاده اصلاح طلب با تقلید آگاهانه از فرایند مشابه اصلاحی که در امپراتوری عثمانی در دوران حکومت سلطان سلیم سوم وجود داشت، برنامه‌ی اصلاحات نظامی را تحت‌عنوان نظام جدید آغاز کرد. نظام جدید، درست مانند امپراتوری عثمانی، شامل آشنایی با فناوری نظامی اروپا و روش‌های جدید تربیت سربازان می‌شد. آگاهی او از پیروزی‌های انگلیسی‌ها در هندوستان و سقوط آسان مصر به دست ارتش ناپلئون در سال ۱۷۹۸ م. / ۱۲۱۳ ق. عزم وی را در ارتقای قدرت دفاعی کشورش راسخ تر می‌نمود. به ویژه شکست مملوک‌های مصری به دست فرانسویان عباس میرزا را نسبت به نیاز به جذب فنون نظامی اروپایی متقاعد کرد (همان: ۳۰).

عباس میرزا قاجار مانند همسایه تضعیف‌شده‌ی خود، احتیاجات نظامی‌اش را در قالب سپاه بزرگ چند منظوره‌ای بر اساس نظام جدیدی که از اروپاییان اقتباس شده بود، سازماندهی می‌کرد. البته سلطان عثمانی «سلیم سوم»، با ارسال هیئتی سیاسی خواستار اتحاد بر ضد روس‌ها شده بود که با ترور او طرح این اتحاد نظامی عقیم ماند (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۷۱/۱).

اما در طرح و چگونگی اجرای اصلاحات نظامی، عباس میرزا تنها تصمیم‌گیرنده نبود و این فتحعلی‌شاه بود که با دولت‌های اروپایی وارد مذاکره می‌شد و هیئت‌های نظامی را سفارش

می‌داد؛ همچنین باید متذکر شد که انجام و توفیق اصلاحات برای پادشاه به‌عنوان پشتیبان و تأمین‌کننده‌ی مالی نوسازی نظامی مزایای فراوانی داشت: «اصلاحات نظامی از جهت بدیع دیگری هم رابطه‌ی تنگاتنگی با برنامه دولت‌سازی داشت. ایجاد واحدهای نظامی جدید به شاه امکان می‌داد که تغییر اساسی در توازن بین دولت متبلور در شخص شاه از یک سو و مابقی نظام سیاسی از سوی دیگر که در وجود قشرهای مختلف امیران و درباریان و خان‌ها و علما متجلی می‌شد، به‌وجود آورد. محوریت این کارکرد در طرح‌های نظامی و درباره‌ی ایران، اهمیت غایی آن تعیین‌کننده‌ی الگویی بود که برای آن انتخاب می‌شد» (کرونین، ۱۳۸۹: ۸۵).

جیمز موریه که با عباس میرزا هم عصر بود و از نزدیک شاهد تکاپوی اصلاح‌گرانه‌ی او بود، می‌نویسد: «شاهزاده در یکی از نخستین گفتگوهایش با سفیر انگلیس با سادگی بسیار انگیزه‌های خود را در رواج‌دادن انضباط اروپایی در میان سپاهیان ایران برشمرده گفت که زود دریافته است که نبرد با روسیان بی داشتن سربازانی همانند سربازان آنان بی‌هوده است و توپخانه آنان را تنها با توپخانه می‌توان خاموش کرد» (موریه، ۱۳۸۶: ۲/۲۵۱).

لانگلس فرانسوی نیز در این مورد می‌نویسد: «این شاهزاده از نبوغی والا و تحرکی فوق‌العاده که در میان شرقی‌ها به ندرت دیده می‌شود، برخوردار است. او با سپاسمندی، شوق و صمیمیت پیشنهاد افسران مختلف فرانسوی را برای آموزش قشون ایران و دادن درس نظامی و تعلیمات مربوط به مانور پذیرفت و نه تنها آنان را مأمور کرد که در اصفهان به توپ ریزی بپردازند، بلکه تشویقشان کرد که فنون توپ ریزی و ذوب فلزات و ساختن توپ و به کار بردن آن را به ایرانیان بیاموزند» (لانگلس، ۱۳۸۹: ۴۱).

دو نمونه از اظهارات ناظران اروپایی هم عصر با عباس میرزا را در بالا آوردیم. این گزارش‌ها به خوبی نشان می‌دهند که نایب‌السلطنه‌ی ایران با تمام توان به دنبال به انجام رساندن اصلاحات نظامی بوده است.



## اصلاحات نظامی عباس میرزا (نظام جدید)

به نظر می‌رسد که عباس میرزا، ارتقا بخشیدن به قدرت آتش توپخانه‌اش را سر لوحه اصلاحات نظامی پیرامونی خود قرار داده بود؛ زیرا در آن زمان نقص بزرگ سپاه ایران و ناتوانی مهم آن در برابر سپاهیان روسیه نداشتن توپخانه بود، مخصوصاً توپخانه سنگین که در آن زمان «قلعه کوب» می‌گفتند. این تصور که داشتن توپ‌های سنگین نقش تعیین کننده‌ای در روند جنگ‌ها دارد حتی تا مدت‌ها پس از عباس میرزا در میان زمامداران ایران عمومیت داشت به طوری که در دوره محمد شاه به ریختن توپ‌های سنگین اهمیت بسیار می‌دادند (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۴۲).

علاوه بر تجهیز قوای نوین به پشتیبانی آتش توپخانه‌ای مؤثر، سعی بسیاری شد تا با برآوردن قلاع و استحکامات دفاعی، در سرحدات و نقاط سوق الجیشی، علاوه بر استحکام بخشیدن به دفاع کشور، نقاطی برای تأمین تدارکات و تسلیحات ایجاد شود (نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۲۲۵). احداث قلعه‌ای مستحکم (عباس آباد) در شمال رود ارس و در خاک نخجوان، تجدید بنای قلعه‌ی اردبیل و بنای آن زیر نظر کارشناسان خارجی و تجهیز آن و استحکام بخشیدن به برج و باروی دفاعی تبریز و بنای قلعه‌ی خوی، از جمله اقدامات عباس میرزا در این زمینه است (جهانگیر میرزا، ۱۳۲۷: ۱۷۸-۸۸).

نایب‌السلطنه، حتی سعی کرد یک مقر نظامی برای اصلاحات نظامی‌اش تأسیس کند و به قول دنیس رایت تصمیم گرفت مراغه را به صورت وولویج آذربایجان درآورد (رایت، ۱۳۸۵: ۷۵) و چنانکه از خلال گزارش رضاقلیخان هدایت بر می‌آید از ایالت آذربایجان بیست هزار نفر و از مازندران و سمنان مجموعاً شانزده هزار نفر و از عراق (عجم) ده هزار نفر برای تأمین نیروی انسانی نظام جدید در نظر گرفته شدند (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۵/۸۵/۹).

### هیئت نظامی فرانسه و نظام جدید

در ۱۲۲۲ق. بر اساس معاهده فین کن اشتاین که بین ایران و دولت فرانسه علیه روسیه و انگلیس منعقد شده بود هیئت نظامی فرانسه از جانب ناپلئون به تهران آمد. «چون در اوایل همان سال (۱۲۲۲ق.) بنا به صلاحدید نایب‌السلطنه و موافقت میرزا شفیع صدر اعظم به خاطر روابط دوستانه، از طرف دولت انگلیس جهت دفع تجاوزات دولت روسیه، کمک خواسته شده بود، ولی دولت مزبور، جواب کافی نداده، امروز و فردا می‌کرد، دولت با فرانسه عهد اتحاد بست» (وقایع نگار مروزی، ۱۳۶۹: ۱۵۳).

یگانه نتیجه‌ای که ایران از عهدنامه فین کن اشتاین گرفت آمدن هیئت نظامی فرانسه به ایران بود. برای اجرای مفاد عهدنامه ناپلئون مصمم شد سفیری به ایران بفرستد که در ضمن ریاست هیئت نظامی فرانسه را هم داشته باشد. برای این کار ژنرال کلود ماتیو کنت دو گاردان را برگزید.

ژنرال گاردان در این مأموریت از جانب شخص ناپلئون دارای اختیارات گسترده‌ای بود، برای مثال وی اجازه داشت تا در صورتی که نیاز بداند هنگ‌هایی به استعداد چهار تا پنج گردان از ارتش فرانسه را برای نبرد در کنار سپاه ایران به جبهه‌ی قفقاز فرابخواند (نفیسی، ۱۳۶۸: ۱۰۵/۱).

ژنرال گاردان با همراهانش روز ۱۲ رمضان ۱۲۲۲ (۴ دسامبر ۱۸۰۷) وارد تهران شد و از همان آغاز شروع به کار کرد. یکی از نخستین کارها این بود که در ذی حجه ۱۲۲۲ (فوریه ۱۸۰۸) سروان فابویه افسر توپخانه این هیئت را به اصفهان فرستادند و وی با وسایلی که همراه آورده بود یک کارخانه توپ‌ریزی و اسلحه‌سازی در آن شهر دایر کرد و از جمله چیزهایی که این کارخانه ساخت بیست توپ سنگین بود. افسران دیگری که با گاردان به ایران آمدند هر یک به خدمات دیگری که مأمور آن بودند مشغول شدند و سه مرکز تعلیمات در تهران و تبریز و اصفهان تشکیل دادند و مدت یک سال و دو ماه و نه روز که در ایران ماندند به تعلیم و تربیت

چهار هزار سرباز ایرانی اشتغال داشتند. حتی لباس‌های پیاده و سوار و توپخانه ایران را از روی لباس‌های ارتش ناپلئون تقلید کردند و صنوف مختلف نظام را از روی همان سازمان ناپلئونی ترتیب دادند و این را در آن زمان «نظام جدید» نام گذاشتند (همان: ۱۱۳).

به همراه هیئت گاردان، فابیه و روبول که متخصص توپخانه بودند، برای سرپرستی کار ریخته‌گری توپ به اصفهان گسیل شدند. وردیه و لامی هم برای مدیریت تعلیمات نظامی به نزد عباس میرزا در تبریز رفتند.

پیش از آمدن هیئت فرانسوی به سربازان ایرانی به تقلید از روس‌ها سالدات می‌گفتند و هنگامی که گاردان به اصطلاح آن روز «نظام جدید» را تشکیل داد، چون نخستین دسته‌های آن در آذربایجان مشغول کار شدند از میرزا ابوالقاسم فراهانی نویسنده و شاعر معروف که بعدها قائم‌مقام لقب گرفت و صدر اعظم ایران شد خواستند که اصطلاح جدیدی برای افراد تعیین بسازد و او کلمه «سرباز» را که از اصطلاح «سر باختن» فارسی گرفته بود وضع کرد (همان: ۱۰۸).

«افسران فرانسوی کمابیش چهارده ماه در تبریز ماندند. سروان وردیه تشکیل و تربیت سه هنگ پیاده را به استعداد چهار تا شش هزار نفر آغاز کرد. این سربازان، مسلح به شمشال‌های فرانسوی ساخت تبریز و اونیفورم‌های مدل فرانسوی بودند. سروان لامی سرپرستی ساخت یک سربازخانه، یک زرادخانه، یک باروت سازی، یک توپ سازی و مقداری استحکامات را عهده‌دار شد و نوعی دارالفنون هم در اردوگاهشان برای تربیت مهندسان نظامی دایر کرد که یکی از اولین دانشجویانش خود عباس میرزا بود. سازمان‌دهی توپ خانه‌ای را هم آغاز کردند که فرماندهی‌اش را طهمورث خان بر دوش گرفت، نجیب زاده‌ای مسیحی که از خانواده آخرین شهریار گرجستان بود. عباس میرزا هنوز در اردوگاهش فراریان روس بسیاری داشت، از این رو یگانی ویژه‌ی آنها تشکیل داد و فرماندهی آن را به سروان وردیه سپرد. در کنار این واحدهای

پیشرفته، برآورد می‌شد که ولیعهد ۲۲۰۰۰ نفر سوار و ۱۲۰۰۰ نفر پیاده سنتی هم دارد» (کرونین، ۱۳۸۹: ۹۶۷).

درباره‌ی شکل و سر وضع سپاه‌یانی که به دست هیئت اعزامی فرانسویان آموزش دیده بودند ژ. م. تانکوانی مترجم هیئت می‌نویسد: «عباس میرزا نایب‌السلطنه نزدیک ۲۵۰۰ سرباز دارد که به نظام فرانسه تربیت شده‌اند و فرماندهان شان افسران ایرانی بودند که وردیه آنها را تربیت کرده بود. تفنگ‌ها و فشنگ‌هایشان را از روی نمونه‌هایی که از فرانسه آورده در تبریز ساخته بودند. لباس این سربازان نیم تنه‌ای خرمایی رنگ و تقریباً مانند لباس سربازان فرانسوی است و یک ردیف دکمه فلزی سفید از پیش دارد. شلوارهای متقال آبی و کفش‌های ساقه کوتاه به پا می‌کنند، ولی همچنان کلاه سیاه از پوست گوسفند بر سر می‌کنند که کلاه معمول همه ایرانیان است. وردیه افسر فرانسوی این دسته از سپاهیان را عیناً مانند لشکریان فرانسه تربیت کرده و عباس میرزا از این پیشرفت بسیار مغرور است. لامی افسر مهندس هم در لشکرگاه یک مدرسه مهندسی نظامی ترتیب داده و ایشان را برای ساختن توپ و تفنگ آماده می‌می‌کند» (نفیسی، ۱۳۶۸: ۲۲۳/۱؛ لاجینی، بی تا: ۳۹).

ورود هیئت نظامی فرانسه به ایران زودتر از آنچه انتظار می‌رفت نتیجه داد، به خصوص در زمینه تولید توپ‌های بزرگ قلعه کوب که مورد نظر عباس میرزا بود. فابویه در کارخانه اصفهان بیست توپ بزرگ تولید کرد و سرانجام در روز ۲۵ نوامبر ۱۸۰۸ (۶ شوال ۱۲۲۳) با عراده‌های توپ و لوازم آنها از اصفهان عزیمت کرد و پس از پنج هفته به تهران رسید (نفیسی، ۱۳۶۸: ۲۱۸/۱).

در بسیاری از مواقع نیز شخص نایب‌السلطنه در مناطق جنگی حضور داشت و نظارت بر هیئت نظامی فرانسه بر دوش قائم مقام فراهانی وزیر مقتدر وی در تبریز می‌افتاد که به دلیل حسن تدبیر وی خللی در برنامه‌های اصلاحی هیئت به وجود نمی‌آمد (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۶۵/۱).

اما فقط دو ماه از انعقاد معاهده فین کن اشتاین گذشته بود که ناپلئون و تزار پیمان تیلسیت را با هم امضا کردند. فتحعلی‌شاه خشمگین از عهدشکنی ناپلئون هیئت فرانسوی را اخراج کرد و آماده مذاکره با انگلیسی‌ها شد. البته گاردان در این اواخر با خصومت درباریان در تبریز و تهران مواجه شده بود.

به‌طور مشخص علل شکست هیئت گاردان عبارت بودند از: «بی‌اطلاعی فرانسویان از ایران، اضطراب دولت ایران در مقابل روسیه، و فرانسه در مقابل انگلیس، ایران و فرانسه را به هم نزدیک کرده بود، مشکل زبان فارسی برای آنها، رقابت سخت انگلیسی‌ها که تقریباً همه فعالیت‌های فرانسویان را خنثی می‌کرد و در ادامه ایجاد مانع و اشکال توسط عوامل و جاسوسان انگلستان در دربار و واسطه‌بودن دولت عثمانی بین ایران و فرانسه که خود از زمان صفویه نظر مساعدی به ایران نداشت و نیز کوتاه مدت بودن ماموریت هیئت گاردان، اولویت منافع اروپایی برای فرانسه، دوری جغرافیایی دو کشور ایران و فرانسه» (موتقی، ۱۳۸۵: ۱۰۴).

این هیئت افسران و درجه داران فرانسوی یادگارهایی چند در نظام ایران گذاشته‌اند، از آن جمله: دو کارخانه توپ‌ریزی در تهران و اصفهان دایر کردند، جنگ با سر نیزه را که سابقاً در ایران معمول نبود رواج دادند، لباس یک شکل (اونیفورم) و تشکیل صنف‌های مختلف و مجزای پیاده نظام و سواره نظام و توپخانه و مهندس و حتی ایجاد توپخانه‌ی کوهستانی به جای زنبورک از کارهای آنهاست (نقیسی، ۱۳۶۸: ۱۰۸/۱).

حضور ژنرال گاردان در ایران که از سوی دولت امپراتوری بریتانیا، تهدیدی آشکار برای مستعمره مهم هند محسوب می‌شد، انگلیسی‌ها را به فکر اعزام هیئتی نظامی از سوی خودشان به ایران انداخت و انعقاد معاهده تیلسیت و اتحاد فرانسه با روس‌ها باعث شد که تلاش آنها برای در اختیارگرفتن جایگاه فرانسویان در قوای نظامی ایران نتیجه دهد.

### هیئت نظامی انگلستان و نظام جدید

شکست فرانسویان در اجرای مفاد عهدنامه ۱۸۰۷م. / ۱۲۲۲ق. با ایران، راه را برای مذاکرات موفقیت آمیز سر هارفورد جونز گشود. انگلستان دریافت که اگر بخواهد فرانسویان را براند، باید آماده تربیت و تجهیز سپاه ایران گردد. از این رو وقتی مالکوم در سفر دوم و ناموفقش به بوشهر رسید، قبلاً سروان چارلز پلسی را نزد شاه فرستاد و اطلاع داد که «انگلستان حاضر است جای افسران و درجه داران فرانسوی را که وی از کشور بیرون می کند پر سازد»؛ همچنین آماده بود «هدیه ای افتخاری» شامل بیست عراده توپ، پنج هزار قبضه قرابین و دو هزار و پانصد جفت تپانچه تقدیم کند (رایت، ۱۳۸۵: ۷۲).

در «عهدنامه مجمل دوستی و اتحاد» که سال ۱۸۰۹م. / ۱۲۲۴ق. امضا شد انگلیسی ها به ایران، در مقابل قطع رابطه با فرانسه، وعده کمک مالی برای نگهداری تجهیزات، مهمات و نظامیان انگلیسی داد. در سال ۱۸۱۰م. / ۱۲۲۵ق. هیئتی انگلیسی شامل افسر و درجه دار و سرباز از هندوستان وارد ایران شد که تا ۱۸۱۳م. / ۱۲۲۷ق. عده آنها از پنجاه نفر گذشت. هیئت انگلیسی در تبریز دنبال کار فرانسویان را گرفت و سربازگیری و آموزش را ادامه داد و کارش را از واحد توپخانه آغاز کرد (کرونین، ۱۳۸۹: ۹۶-۷). این سپاهیان منظم را نخست افسران فرانسوی و سپس افسران انگلیسی آموزش دادند و خائنان یا فراریان روسی و سربازان مزدور اروپایی نیز در تعلیم آنها شرکت داشتند. پس از عهدنامه گلستان، این «نظام جدید» از رسته توپخانه سوار با بیست توپ صحرائی، دوازده هزار سواره نظام منظم و دوازده هزار پیاده نظام منظم تشکیل شد. واحد اخیر شامل دوازده گردان بود که هر یک هزار سرباز داشت. اینها بر حسب طایفه یا منطقه در نه هنگ متشکل شده بودند (همبلی، ۱۳۸۷: ۲۰۷).

وقتی مالکوم در ۱۸۱۰م. / ۱۲۲۵ق. برای سومین مأموریتش به ایران آمد، با خود ده عراده توپ آورد که در هند ریخته شده و مزین به نام و علائم شاه ایران بودند. هنگامی که ایران را ترک می کرد، به درخواست جونز موافقت کرد ملازمانش، از جمله سروان چارلز کریستی،

ستوان هنری لیندزی از هنگ توپخانه مدرس، استوار ویلیام مونیت و چارلز کارمیک جراح برای تشکیل کمیته‌ی اولیه‌ی هیئت نظامی مندرج در عهدنامه‌ی مقدماتی جونز در ایران بمانند (جونز، ۱۳۸۶: ۲۲۴). هنری و جورج ویلوک از هنگ سوار مدرس که قبلاً در ایران بودند، به هیئت نظامی پیوستند و با آمدن سرگرد جوزف داریسی و سرگرد استون، همراه دو درجه دار و ده نظامی انگلیسی در اوایل سال ۱۸۱۲ م. / ۱۲۲۷ ق. به تبریز، عده‌ی هیئت افزایش چشمگیری یافت (رایت، ۱۳۸۵: ۷۳).

انگلیسیان با سرعت به ایجاد زرادخانه و دستگاه توپریزی در ارگ تبریز پرداختند. سرپرستی این کار را رابرت آرمسترانگ بر عهده داشت، او استادکار بسیار ورزیده‌ای بود و با «ماشین سوراخ کنی» اش در عرض یک سال سی توپ عالی ریخت و علاوه بر آن مقدار زیادی عراده و گلوله توپ ساخت. آقای کلارک که مأمور اجرایی ذخایر و ملزومات بود، یک دایره اردنانس ایجاد کرد. نارنجک اندازها، شمشیرها و لباس‌ها که همه ساخت انگلیس بود، جانشین تجهیزاتی شد که قبلاً ساخت فرانسه بود؛ اونیفرم سربازان ایرانی - کت‌های آبی یا قرمز و شلوارهای گشاد سفید یا آبی - ظاهری کاملاً انگلیسی یافت، ولی کلاه‌های پوست بره ایرانی همچنان مورد استفاده قرار گرفت (همان: ۶-۷۵).

در قیاس با فرانسویان، انگلیسی‌ها و به خصوص افسران و درجه دارانی که در اردوی عباس میرزا مشغول به خدمت بودند خود را بیشتر درگیر جنگ ایران با روسیه کردند و حتی متحمل تلفاتی نیز گردیدند. «وقتی روس‌ها در ۱۸۱۲ م. / ۱۲۲۷ ق. بار دیگر حمله خود را به نواحی قفقاز تکرار کردند، چهار تن از افسران انگلیسی، همراه دوازده درجه‌دار از هنگ آتشبار و هنگ چهل و هفتم، سربازان ایرانی را در جنگ همراهی کردند. وقتی ایرانیان پس از یک رشته شکست‌ها، به خاطر اینکه از لحاظ عده برتری زیادی داشتند، توانستند گروه کوچکی از روس‌ها را در حوالی سلطان آباد در کنار ارس شکست دهند، آنان سخت خوشحال شدند. مونیت با نیروهای مرزی ایران در نزدیکی ایروان با شش توپ و عده‌ای سوار با کریستی و

لیندزی در ۱۸۱۲م.ق/۱۲۲۷ق. در جنگ ناموفق اصلاندوز در ساحل شمالی ارس شرکت جستند و هنگامی که ایرانیان تار و مار شدند، کریستی که بنا به گزارش معاصرانش یک نظامی کامل بود، کشته شد و دوازده توپ از چهارده توپ لیندزی از دست رفت این پایان جنگ انگلیسیان در کنار ایرانیان بر ضد روس‌ها بود» (همان: ۷۶۸).

همچنان که شرح دادیم فرانسویان و سپس انگلیسی‌ها درست در بزنگاه پشت ایران را خالی کردند و با این عمل بر اعتقاد دیرینه‌ی مردم ایران درباره ضرورت متکی به خود بودن صحنه گذاشتند. این نگرانی برای زمامداران ایران و در رأس آنان یعنی شخص عباس میرزا وجود داشت که در صورت قطع کمک‌های نظامی خارجی چطور باید در برابر روس‌ها ایستادگی کنند. درست است که عباس میرزا در طول دو دوره جنگ با روسیه از فرانسه و انگلیس سلاح وارد کرد، اما هدف غایی‌اش رسیدن به خودکفایی در تولید تسلیحات نظامی گوناگون بود.

با هدایت افسران اروپایی، برای تولید باروت و جنگ افزار، کارگاه‌های گوناگونی با استفاده از الگوهای تعدیل‌شده اروپایی برپا گردید. ولیعهد مجموعه‌ای از سلاح‌ها، نقشه‌ها و مدل ماشین‌ها را نیز گرد آورد؛ همچنین بازرگانان و صنعتگران اروپایی را به اقامت در ایران تشویق کرد (رینگر، ۱۳۸۱: ۳۶۷).

#### ارسال دانشجو به اروپا برای کمک به تسریع روند اصلاحات نظامی

نایب‌السلطنه عباس میرزا نخستین کسی بود که به فکر روانه ساختن محصلان از ایران به خاک اروپا افتاد. به رغم مخالفت‌ها و تعصبات نابه‌جایی که کهنه‌پرستان و بدخواهان آشکار می‌ساختند، جمعی از جوانان مستعد و با قریحه را به بعضی از ممالک اروپایی، از جمله انگلستان، روانه کرد و بعداً دو نفر از پسران خود را نیز به آن دیار فرستاد تا با اصول تمدن و فرهنگ و علوم و دانش اروپایی آشنا شوند و موجبات تغییرات صنعتی و تجارتي را در خاک ایران فراهم گردانند (شیخ نوری، ۱۳۸۹: ۱۸۷).



هدف اعزام این گروه تربیت نیروی انسانی متخصص برای تسهیل امر اصلاحات نظامی بود؛ زیرا اصلاحات نظامی در ایران نیز مانند جاهای دیگر طبعاً نیازمند فناوری مربوطه و مهارت‌هایی چون پزشکان تربیت‌یافته‌ی اروپا و ترجمه کتاب‌های راهنمای فنی اروپایی و سایر متون بود. اعزام دانشجویان به خارج نشانه‌ی دیگری از درک «کاستی» در ایران و گواهی بر تعهد عباس میرزا به ایجاد تغییر بنیادی است. این اعزام نتیجه بین‌المللی شدن صحنه دیپلماتیک ایران نیز بود. نایب‌السلطنه دریافت که برای روبه‌رو شدن با چالش‌های این وضعیت دیپلماتیک جدید، هم کسب خبرگی سیاسی و هم آشنایی با زبان‌های اروپایی ضروری است (رینگر، ۱۳۸۱: ۵۲).

### موانع اصلاحات

اصلاحات نظامی عباس میرزا از ابتدا با موانع و اشکالات عدیده‌ای روبه‌رو بود که در این قسمت پاره‌ای از آنها ذکر می‌شود. «احساس تحقیر ناشی از تقلید از دشمنی که دارای دین و فرهنگ نازل تصور می‌شد، نگرانی از خدشه وارد شدن به حاکمیت ملی به سبب حضور بیگانگان در رأس ارتش و مخصوصاً خصومت کسانی که موقعیت خود را از دست می‌دادند، از علل ناخوشنودی بود» (کرونین، ۱۳۸۹: ۸۶۷).

البته این مشکلات خاص نظام جدید عباس میرزا نبود و زمامداران اصلاح‌گر عثمانی نیز در آن عصر با وجود دولتی توانمندتر با موانع و مشکلات فراوانی روبه‌رو شدند. به‌رغم اینکه پادشاهی قاجار فاقد نیروهای تشکل‌یافته و منجسم نظامی چون ینی چری‌ها در عثمانی بود که در برابر اصلاحات تمام‌قد ایستادند مقاومتی که بخش‌های سنتی جامعه و سپاه در برابر اصلاحات در هر دو کشور از خود بروز دادند تا حدّ زیادی یکسان بود.

از طرفی اصلاحات در نفس خود نیز با مخالفت روبه‌رو شد. مردم به‌طور کلی و گاهی خود سربازها نیز شکل و شمایل واحدهای جدید را نمی‌پسندیدند. در این میان بعضی از علما هم اعلام کردند که حضور غیر مسلمان‌ها زیان بار و پیروی از روش‌های آنها اهانت به سنت پیامبر است. دشمنان سیاسی عباس میرزا به سرعت از این شبهات بهره‌برداری کردند، اما دوستان

او نیز هر جا که توانستند برای او حمایت مذهبی جلب کردند و حتی گفته شد اصلاحات عین بازگشت به سنت‌های صدر اسلام است (همان: ۹۸).

موریه نیز در این باب گزارش مشروحی داده است: عباس میرزا به شدت از اقدامات خصمانه‌ی برادرش شاهزاده محمدعلی میرزا دولتشاه آزرده خاطر بود. شاهزاده‌ی مذکور به اعتقاد عباس میرزا تمام کوشش خود را در برانگیختن احساسات ضد اجنبی ایرانیان بر ضد نظام جدید به کار می‌برد. نایب السلطنه برای پاسخ دادن به شبهات شاهزاده محمدعلی میرزا دستور داده بود آیه‌ای از قرآن را که فراهم نمودن جنگ‌افزار و دفاع از دین را مورد تأکید قرار می‌دهد نسخه برداری و به تأیید مجتهدان برسانند تا اقدامات برادر مغرض خنثی شود (موریه، ۱۳۸۶: ۲/۲۵۳).

اما به نظر نمی‌رسد این تلاش‌ها با موفقیت چندانی روبه‌رو شده باشند: نخستین کوشش‌هایش برای رواج دادن انضباط کامیابی چندانی نیافت؛ زیرا در آغاز ناچار می‌بایست خود با خرافه‌های سربازان تازه استخدام شده که حاضر نبودند هیچ روش فرنگی به ویژه روسی را بپذیرند پیکار کند (همان: ۲/۲۵۲).

عباس میرزا با دو مشکل عدیده، یکی کمبود افسران آشنا به روش‌های نوین نظامی و دیگری دشواری تأمین نیروی انسانی مورد نیاز سپاه روبه‌رو بود. افسران آشنا با روش‌های اروپایی در ایران یافت نمی‌شدند و سربازگیری هم‌قاعده درستی نداشت.

افسران انگلیسی که در سپاه ایران استخدام شده بودند به‌رغم اشتیاق عباس میرزا به پیشرفت، دشواری‌های فراوانی بر سر راه خود داشتند که از آگاهی‌های ناچیز خود شاهزاده نسبت به دانش‌های سپاهی‌گری سرچشمه می‌گرفت. وی لزوم فرمانبرداری بی‌چون و چرا از مقام بالاتر و ضرورت رعایت سلسله مراتب را به درستی در نمی‌یافت.

علاوه بر مشکل کمبود افسران آشنا با روش‌های اروپایی، اصلاحات نظامی عباس میرزا به دلیل نبود روش نوین تأمین نیرو یا سربازگیری کارآمد به کندی پیش می‌رفت و این مسئله از

چشم ناظران اروپایی نیز پنهان نمی‌ماند: «به نظر افسران انگلیسی شیوه سربازگیری ناقص بود. سربازان بیشتر از تیره‌های کوچ نشین آذربایجان که با پیوندهای عشیره‌ای به یکدیگر پیوسته و در هر پیشامد کوچک آماده پشتیبانی از یکدیگر بودند استخدام می‌شدند. این وضع گرایش پیوسته به آنچه ما آن را شورش و آنان عرض یا لشکرکشی می‌نامند پدید می‌آورد» (همان: ۲۵۴).

ایران درآمد کافی برای تأمین مخارج جنگ‌هایش نداشت و درآمدهای آذربایجان نیز تکافوی مخارج طرح‌های عباس میرزا را نمی‌کرد (فتح‌الله‌یف، ۱۳۶۳: ۱۷۸). در ۱۸۰۱ م. ۱۲۱۶ ق. انگلیسی‌ها آغاز به پرداخت کمک مالی به عباس میرزا می‌کردند که بیشتر صرف نیروهای تازه شد، ولی تعلیم و تجهیز و پرداخت حقوق افراد به قدری هزینه داشت که روی هم رفته با همهی کمک انگلیسی‌ها مشکلات مالی او دو چندان شد (کرونین، ۱۳۸۹: ۹۸). مسئله هزینه سربازان و به طور کلی ارتش که می‌بایست از طرف دیوان‌ها و ادارات مالیه تأمین گردد هیچ‌گاه وضع ثابت و صورت مفیدی که بتوان کلیه هزینه‌های ضروری سازمان‌های مختلف نظام و وسائل جنگی را تأمین بنماید، نداشت و خلاصه تمام عوارض و حقوق دیوانی و مخارجات سربازی و اداری بر دوش رعایا تحمیل می‌شد (نجمی، ۱۳۲۶: ۳۰).

برای ایجاد یک سپاه کارآمد، نیاز مبرمی به ایجاد یک نظام ثبت دقیق مالیاتی بود تا حکومت محلی عباس میرزا بتواند از پس مخارج تجهیز سپاهیان به تسلیحات جدید بر آید. این در حالی بود که نظام جمع‌آوری مالیات به شدت فرسوده و ناکارآمد بود. در واقع نایب‌السلطنه هیچ‌گاه موفق به ایجاد شالوده‌ی قوی مالی برای اصلاحات نظامی خود نشد. در طول حکمرانی عباس میرزا، تنگناهای مداوم مالی اجرای موفقیت‌آمیز برنامه اصلاحی او را دائماً مورد تهدید قرار می‌داد» (رینگر، ۱۳۸۱: ۳۹).

البته این کاستی و کمبودها، در سایر زمینه‌ها که به موازات اصلاحات نظامی پیش می‌رفت، نیز رخ می‌نمود: «در آذربایجان کان‌های آهن و برنز کشف کرده‌اند و همه به یاری هوش اختراع

خود ایرانیان از آنها بهره‌برداری شده، اما هنوز صنعت‌گران و معدن‌چیان ویژه کار، سخت کم دارند و بنابراین بهره‌برداری کاملی که چشم داشته‌اند، انجام نشده یا هنوز ارزش فرآورده‌های آنها پایین است» (موریه، ۱۳۸۶: ۳۱۱/۱).

در اینجا این مهم را متذکر می‌شویم که عباس میرزا تنها بر یک بخش از خاک ایران فرمان می‌راند و ذخایر و دارایی این ایالت که بر اثر آشوب‌های ناشی از جنگ‌های جانشینی و در این اواخر، فتح مجدد ایالت به دست آقا محمدخان قاجار، تحلیل رفته بود، در نتیجه جنگ‌های طولانی ایران و روسیه باز هم بیشتر کاهش یافت. مساعدت افسران بریتانیایی در تربیت سپاهیان جدید و وجوهی که بریتانیای کبیر به‌عنوان بخشی از معاهده دوستی و اتحاد وعده داده بود برای تأمین هزینه‌های گزاف این جنگ‌ها کافی نبود (رینگر، ۱۳۸۱: ۳۸).

فتح‌علیشاه، هرگز مسئولیت اصلی تأمین بودجه جنگ‌های ایران و روسیه یا نظام جدید را نپذیرفت. وضعیت مالی بی‌ثبات نایب‌السلطنه بر اثر شکست ایران از روسیه و بر اثر غرامت‌های جنگی ناشی از آن، که ایران مجبور به پرداخت آن بود، وخیم‌تر شد. از آن گذشته، تا سال ۱۸۱۵م. / ۱۲۳۰ق. بریتانیا پرداخت‌های وعده داده شده خود را به عباس میرزا به کلی به دست فراموشی سپرده بودند (همانجا).

#### پیامدها و نتایج اصلاحات نظامی عباس میرزا

در این قسمت، سعی می‌شود به پیامدها و نتایج اصلاحات نظامی عباس میرزا برای قدرت دفاعی ایران در اوایل قرن ۱۹م. پرداخته شود. در ابتدا این نکته مهم یاد آور می‌شود که به اعتقاد ناظران اروپایی هم عصر با عباس میرزا، قوای سنتی ایران (نظام قدیم) بسیار مؤثرتر از نظام جدید و به نسبت آن با کارایی به مراتب بیشتری به خصوص از لحاظ جنگ پارتیزانی که سال‌ها روس‌ها را در قفقاز زمین‌گیر کرده بود، وارد نبرد می‌شد و می‌توان گفت که نظام قدیم با

وجود کهنه بودن تشکیلات و سلسله مراتب و به روز نبودن تسلیحات و ادوات نظامی‌اش کارنامه درخشان و قابل دفاعی از خود در نبرد با روس‌ها در تاریخ ثبت نموده است.

به چشم ناظران اروپایی، نقطه قوت نظامی ایران همیشه در سواره نظام نامنظمش نهفته بود که ایلخان‌ها آن را تأمین می‌کردند و کارایی خود را در حملات برق‌آسا و جنگ‌های دفاعی به اثبات رسانده بود، اما نظام جدید چندان امیدوارکننده نبود (کرونین، ۱۳۸۹: ۱۰۰). این مجاهدت و کوشش که ایرانیان را با اصول و تعالیم نظام اروپا آشنا سازند قاعدتاً قابل تمجید بود ولی همین قسمت به خرابی نیروی نظامی کشور آنها کمک نمود. قدرت نظامی ایران همیشه اوقات در سواران عشایر و ایلات واقع شده بود که به واسطه سرعت و فرزی حرکت خود می‌توانستند در اطراف یک نیروی منظم دشمن در صحرا حلقه بزنند و به دستجات کوچک لشکریان سواره پیاپی حمله ببرند و از دسترس پیاده نظام کند حرکت، خود را دور نگه دارند (سایکس، ۱۳۶۸: ۴/۵۵۳).

بهترین توصیف از ناکارآمدی و ناتوانی قوای منظم و نوین عباس میرزا را ناظران اروپایی و روس‌های متخاصم گزارش کرده‌اند. سروان موراویوف، افسر ستاد روس، در ۱۲۳۲ق. درباره نظام جدید ایران چنین نوشت: این پیاده نظام فلک زده که در اروپا با احترام از آن یاد می‌کنند، به نفع ما ساخته شد. سربازها چالاکی آسیایی‌شان را از دست داده‌اند و کیفیت اروپایی را هم به دست نیاورده‌اند. نیروی سفله حقیر، با لباسی که به تنش زار می‌زند، طعمه نارنجک‌اندازه‌های ما شده است. حتی شمخال انگلیسی را که به دستش داده‌اند نمی‌تواند درست به کار ببرد (کرونین، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

به اعتقاد خانم رینگر: «اصلاحات نظامی چه به لحاظ عمق تغییر مورد نظر و چه دامنه حوزه‌های تأثیرگذار - چه نظامی، و چه فناورانه، دیپلماتیک یا اجرایی - بسیار بلند پروازانه بود. و دقیقاً به خاطر همین گستره مورد نظرش، مخالفت و رویارویی شدیدی را موجب شد. رویارویی با اصلاحات نظامی دارای سه پایگاه اصلی بود. نخست، رقابت شاهزادگان و درباریان

با عباس میرزا و صدراعظم او؛ دوم، گروه‌های ذی نفع در وضع موجود سیاسی بر اثر اقدامات متمرکزسازی مورد تهدید قرار می‌گرفتند؛ و سوم، اصلاحات معارض حساسیت‌های فرهنگی و مذهبی ایران تلقی می‌شد» (رینگر، ۱۳۸۱: ۵۳).

البته شایان ذکر است که نظام جدید در عرصه داخلی به دلیل برتری تسلیحاتی و لجستیکی و پشتیبانی آتش توپخانه بسیار خوب از عهده بر می‌آمد. در واقع به یمن وجود همین نیرو بود که عباس میرزا در اواسط دهه ۱۲۴۰ق. توانست چند شورش مهم داخلی را در مرکز کشور و همچنین بین کردهای شمال غرب و ترکمن‌های شمال شرقی سرحدات ایران سرکوب کند.

اما قوای تازه تعلیم دیده وی در نبردهای برون‌مرزی به دو دلیل عمده بیشتر اوقات (به جز نبرد با ترکان عثمانی) با عدم موفقیت روبه‌رو بودند که این ناکامی‌ها از دو جنبه نشأت می‌گرفت: اول از جنبه زمانی؛ زیرا عباس میرزا زمان لازم و کافی برای به انجام رساندن اصلاحات نظامی خود را نداشت. نوسازی نظامی بزرگی که وی در نظر داشت نیاز به صرف ده‌ها سال زمان داشت تا به بار بنشیند. مسئله دوم اصل پیگیری و تداوم بود. متأسفانه اصلاحات عباس میرزا با مرگ زود هنگام وی متوقف شد و ادامه نیافت.

از دیگر مزایای نظام جدید این بود که کاملاً به شاه و لاقلاً اسماً وفادار به او بود و فقط به کشور تعهد داشت (کرونین، ۱۳۸۹: ۸۵).

به دنبال درگذشت نابهنگام عباس میرزا در ۱۸۳۳م. ۱۲۴۸ق. بخش عمده برنامه اصلاحی او متوقف شد. نایب‌السلطنه هرگز موفق نشد شالوده‌های اصلاح بنیادی را پی‌ریزی کند. او، برخلاف هم‌تایان خود در مصر و امپراتوری عثمانی، از دستگاه حکومتی متمرکز و مقتدر، یا وجوهات لازم برای پیشبرد اصلاحات، برخوردار نبود. مخالفان قدرتمند و کمبودهای مالی دائمی دست به دست هم دادند و اصلاحات نظامی را از پا انداختند.

## نتیجه گیری

سپاه ایران پیش از اصلاحات نظامی عباس میرزا قاجار به همان شکل سنتی خود تشکیل و وارد عملیات نظامی می شد. در پی تهاجم روس ها به قفقاز و عملکرد ضعیف سپاه نقاط ضعف سپاهیان ایران مشخص شد و مشخص شد که با این شرایط پیروزی بر روسیه غیر ممکن است. در پی انجام اصلاحات نظامی سپاه ایران مجدداً ساماندهی و مجهز به ادوات و سلاح جدید گردید و حتی توانست در چند رشته عملیات نظامی به موفقیت‌هایی دست یابد، اما در ادامه به دلیل ضعف مدیریتی و عدم تأمین مالی مناسب قوای نظام جدید و بی‌اعتمادی بخشی از بدنه‌ی سپاه ایران نسبت به اصلاحات نظامی، این موفقیت‌ها دیری نپایید.

فتحعلی شاه قاجار نیز عملاً نشان داد که تمایل چندانی به قبول رهبری و یا تأمین مالی اصلاحات نظامی ندارد. تمام این عوامل به اضافه‌ی مرگ ناگهانی عباس میرزا باعث متلاشی شدن قوای نظام جدید و عقیم ماندن اصلاحات نظامی در ایران اوایل عصر قاجار شد.

## منابع و مأخذ

- جهانگیر میرزا (۱۳۲۷). *تاریخ نو*. به سعی و اهتمام عباس اقبال. تهران: کتابخانه علی اکبر علمی و شرکا.
- جونز، سرهارفورد. (۱۳۸۶). *سفرنامه سرهارفورد جونز*. ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: ثالث.
- خاوری شیرازی، میرزا فضل الله (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین*. تصحیح و تحقیق ناصر افشار فر. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳). *مآثر سلطانیه*. به کوشش فیروز منصوری. تهران: انتشارات اطلاعات.
- رایت، سردنیس (۱۳۸۵). *انگلیسیان در ایران*. ترجمه غلام حسین صدری افشار. تهران: نشر اختران.
- رینگر، مونیکا (۱۳۸۱). *آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار*. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه. تهران: انتشارات ققنوس.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۶۸). *تاریخ ایران*. ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی. تهران: انتشارات دنیای کتاب.

- سپهر، محمد تقی. (۱۳۷۷). *ناسخ التواریخ*. به اهتمام جمشید کیان فر. تهران: نشر اساطیر.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۸۴). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: انتشارات مدبر.
- شیخ نوری، محمد امیر (۱۳۸۹). *فراز و فرود اصلاحات در عصر امیر کبیر*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فتح‌الله یف، عبدالله (۱۳۶۳). *گوشه ای از تاریخ ایران*. ترجمه غلامحسین معین. تهران: چاپ آفتاب.
- کرونین، استفانی (۱۳۸۹). *جنگ و صلح در ایران دوره قاجار: ساختن یک ارتش نو*. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
- لاجینی، ابوالقاسم. (بی تا). *احوال و دستخط های عباس میرزا قاجار نایب السلطنه*. تهران: بنگاه مطبوعاتی افشاری.
- لانگلس، لویی (۱۳۸۹). *ایران فتح‌علیشاهی*. ترجمه ع. روح بخشان. تهران: انتشارات کتاب روشن.
- موثقی، احمد (۱۳۸۵). *نوسازی و اصلاحات در ایران*. تهران: انتشارات قومس.
- موریه، جیمز (۱۳۸۶). *سفرنامه جیمز موریه*. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات توس.
- نادر میرزا (۱۳۷۳). *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*. مقدمه و تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تبریز: انتشارات ستوده.
- نجمی، ناصر (۱۳۲۶). *عباس میرزا یا ایران در میان طوفان و جنگ های ایران و روس*. گیلان: کانون معرفت.
- نفیسی، سعید (۱۳۶۸). *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*. تهران: انتشارات بنیاد.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۰). *روضه الصفای ناصری*. به تصحیح و تشحیح جمشید کیان فر. تهران: انتشارات اساطیر.
- همبلی، گاوین (۱۳۸۷). *تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجار*. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: انتشارات جامی.
- وقایع نگار مروزی، محمد صادق (۱۳۶۹). *آهنگ سروش*. گرد آورنده حسین آذر. تهران: نشر مصحح.